

توطئه ریاض و غفلت دیپلماتیک ما

آمریکا برای اینکه بگوید «کاملاً جدی» است دو اقدام امنیتی هم در هفته‌های منتهی به آغاز به کار اجلاس ریاض انجام داده است



به گزارش آران نیوز: سعدالله زارعی در یادداشت روزنامه کیهان نوشت:

«منافع ملی» اگر در همه جوانب آن مدنظر باشد، همه آن چیزی است که هر نظام سیاسی و دولتمردان آن باید همه حواس، تلاش، ظرفیت، امکانات و دغدغه‌ها را برای تامین حداکثری آن به میدان آورند و هر مانعی از جمله موانع داخلی و موانع خارجی را از سر راه آن بردارند. این وظیفه‌ای ملی است که هر علاقه و منفعت دیگری به خصوص منفعت‌های شخصی و حزبی و طایفه‌ای آنگاه که در تصادم با آن قرار گیرند، باید کنار گذاشته شوند.

حساسیت توجه ویژه به منافع ملی در همه کشورها و نظام‌های سیاسی باید بالا باشد و درخصوص کشورها و نظام‌هایی که به واسطه اهداف بلند و استراتژیک در معرض انواعی از دشمنی‌ها قرار دارند، باید چندین برابر بالا باشد. اما سوگمندان در کشورمان شاهد «غفلت‌های استراتژیک» و سوءرفتارهایی هستیم که نه تنها بی‌توجهی به منافع ملی به حساب می‌آید بلکه در نقطه مقابل آن و از بین برنده آن محسوب می‌شود.

سخن گفتن از اینکه ما در منطقه‌ای به سر می‌بریم که در هر گوشه‌اش آتش فتنه و درگیری بالاست، کاملاً بدیهی است و هیچکس ولو از هوش سیاسی چندان قوی هم برخوردار نباشد، نمی‌تواند آن را درک نکند و نیز سخن گفتن از اینکه جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت در کانون این فتنه منطقه‌ای قرار دارد و سمت‌گیری آتش‌هایی که پی در پی برپا می‌شوند، سوزاندن خرمین «موقعیت ممتاز» و «دستاوردهای برآمده از مجاهدت ملت ایران و ملت‌های مظلوم دلبسته به انقلاب اسلامی» است هم کاملاً بدیهی و بی‌نیاز از استدلال است.

از سوی دیگر همه می‌دانیم که تنها راه برون‌رفت موفقیت‌آمیز از این معارک حساس، مجاهدت، هوشمندی و تمرکز توانمندی‌ها و جهت‌دهی آنها به سمت میدان است. ما به هیچ وجه نمی‌توانیم دست خود را به سمت دست‌هایی که با محوریت آمریکا در منطقه برای خارج کردن گوهر ذیقیمتی که در دست داریم، درهم تنیده شده‌اند، دراز کنیم.

ما هرگز نمی‌توانیم این گوهر را به وسط معرکه‌ای که در هر سوی آن دشمنی برای ربودن آن کمین کرده است، پرتاب کنیم و توقع داشته باشیم که سارقان عنود به لبخند و تمنای ما سهمی هم برای ما قایل شوند. آنان اگر خدای نکرده بر این معرکه چیره شوند نه تنها حقی برای ما و سایر ملل مظلوم منطقه قایل نیستند که از ما می‌خواهند قیمت تاخیر در واگذاری این گوهر را نیز به آنان بپردازیم و سوگند بخوریم که هیچگاه حق نگهداری آن را نداشته و تا ابد حقی را برای خود قایل نباشیم!

این خبر را همه شنیده‌ایم که قرار است از سوم خردادماه اجلاس مشترک سیاسی و امنیتی آمریکایی-اسلامی با حضور دونالد ترامپ و یک هیأت سیاسی امنیتی آمریکا در «ریاض» تشکیل شود و به خوبی می‌دانیم که به مانند جنگ احزاب، همه کشورهایی که کم یا زیاد با انقلاب اسلامی ایران و نظام برآمده از آن خصومت دارند با دستور کاری آمریکایی که چاشنی کینه‌ورزی وهابی-سعودی به آن ضمیمه شده است، دور هم جمع خواهند شد. هدف این نشست کاملاً واضح است و برای درک آن فقط اندکی هوش سیاسی می‌خواهد. موضوع این است که جبهه استکباری به سرکردگی آمریکا و میدان‌داری منطقه‌ای سعودی به جبران شکست‌های پی‌درپی که از انقلاب اسلامی خورده‌اند و به خصوص آنچه در حد فاصل ۲۰۰۴ تاکنون حیثیت و همه سرمایه‌گذاری ضداسلامی‌شان را بر باد داده است، بنا دارند یک بار دیگر بخت واژگون خود را بیازمایند. آمریکای ترامپ در این میان می‌گوید من هستم شما هم بیائید و باکی هم از هزینه‌ها و نتایج نداشته باشید.

سعودی هم پذیرفته است که در نوک اقدامات ضدایرانی باشد و هزینه‌های آن را بپردازد بر این اساس این رژیم سران حدود ۲۵ کشور اسلامی را با تشجیع و تطمیع فراخوانده تا آنچه به اجرا گذاشته می‌شود، اقدام مشترک مسلمانان علیه ایران تلقی گردد و مردم مسلمان منطقه، حداکثر آن را درگیری میان مسلمانان تلقی کرده و از کمک به ایران و قرار گرفتن در کنار انقلاب اسلامی باز بمانند. البته برخلاف آنچه وانمود شده است، حضور هیئت بلندپایه آمریکایی و محوریت رئیس‌جمهور آمریکا پرده از چهره، ماهیت و اهداف این اجلاس برداشته است. از آنجا که در هر پرونده منطقه‌ای که آمریکا حضور دارد، رژیم صهیونیستی نیز حضور دارد و نیز به شهادت آشکار شدن روابط سیاسی امنیتی ریاض-تل‌آویو در واقع این اجلاسی آمریکایی، صهیونیستی و سعودی است که ۲۵ کشور اسلامی را به عنوان «سیاهی لشکر» در خود جای داده است.

آمریکا برای اینکه بگوید «کاملاً جدی» است دو اقدام امنیتی هم در هفته‌های منتهی به آغاز به کار اجلاس ریاض انجام داده است؛ حمله موشکی به پایگاه هوایی «الشعیرات» در شرق استان حمص سوریه که بی‌سابقه بود و برگزاری مانور سنگین نظامی در مرز سوریه و اردن. در این میان از میان سخنان مقامات نظامی آمریکا، اسرائیل و سعودی به دفعات این عبارت تکرار شد که «باید ابهت ایران شکسته شود و جمهوری اسلامی سرچایش بنشیند». بر این اساس رهبر معظم انقلاب اسلامی چند روز پیش در دیداری که از دانشگاه افسری امام حسین سپاه داشتند خطاب به این جبهه استکباری فرمودند:

«دوره بزن در رو گذشته و اگر ضربه‌ای بزنید ضربه‌ای سخت‌تر از سوی ملت ایران دریافت خواهید کرد». خب این وضعیتی

است که ما با آن مواجه‌ایم. وضعیتی که از یک طرف «اهمیت ویژه» آنچه در دهه‌های اخیر با مجاهدت و درایت بدست آورده‌ایم را نشان می‌دهد و از سوی دیگر تا حد زیادی «ابعاد توطئه نظامی- امنیتی» دشمن علیه ما را بیان می‌کند. در این میان تکلیف ما کاملاً روشن است و در آنچه باید برای خنثی کردن توطئه دشمن انجام دهیم تردیدی نداریم. در چنین وضعیتی ملت بزرگ ما و نظام سیاسی و دولت برآمده از آن باید نشان دهند که خط و خیال دشمن را می‌شناسند و ظرفیت‌های خود را برای تحمیل شکست سنگینی دیگر به آن آماده کرده‌اند. این القای منافع ملی است و در موضوع منافع ملی، «امنیت و ثبات» در قله آن قرار دارد. اما حال ببینیم ما چه می‌کنیم؛

۱- تا آنجا که موضوع به فرماندهی ارشد نظامی ایران یعنی فرمانده معظم کل قوا، سایر فرماندهان و دستگاه‌های نظامی- امنیتی ما بازمی‌گردد، ایران سال‌هاست که خود را برای دفع و دفن چنین توطئه‌هایی آماده کرده است. دستگاه‌های نظامی در این ۳۰ سال معطل ادبیات روشنفکرانه نمانده و بر حجم توانمندی خود در همه زمینه‌ها افزوده‌اند و همه چیزی که برای متوقف کردن خیال دشمن لازم است را آماده کرده‌اند. امروز تجهیزات دفاعی ما در حدی است که دشمن را به طور جدی به درنگ وادارد و متوقف شود واقعیت این است که دو دشمن اصلی ایران یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی هم از «توانمند»ی وسیع نظامی ما آگاهی دارند. گرچه حجم نادانسته‌های آنان بیش از اطلاعاتشان از ماست و هم از «اراده» ما در واکنش موثر و متوقف کننده باخبرند.

در عین حال آنان روی یک موضوع حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند؛ چالش داخلی علیه نیروی واکنش سریع ایران و فرسودن آن در معادلات جناحی. بر این اساس آمریکایی‌ها بخصوص در دوره پس از تصویب برجام روی قدرت موشکی و نیروی قدس ایران تمرکز کرده‌اند و همین خط را بعضی‌ها در داخل ایران امتداد داده‌اند!

۲- کاملاً واضح است که در چنین فضایی که دشمنان در حال اجتماع و اجماع هستند دولت ایران و بخصوص وزارت امور خارجه آن باید امور جاری خود را به موضوعی ثانوی تبدیل کرده و برای خنثی کردن آن وارد عمل شود در این شرایط باید وزیر و همه معاونین وزارت خارجه به این و آن پایتخت اسلامی سفر کرده و خطر این توطئه ضداسلامی آمریکایی- صهیونیستی را گوشزد کنند و اساس چنین اجتماعی را از هم بپاشند. این کار کاملاً امکان‌پذیر است. به این دو خبر توجه کنید.

در آغاز جنگ سعودی علیه یمن، زمزمه‌ای بلند شد مبنی بر اینکه پاکستان هم قصد دارد به عربستان در حمله به مردم یمن و حذف انصارالله از صحنه نظامی- سیاسی بپیوندد. ایران در آن موقع خبر داشت که ملک سلمان با وعده‌های چرب و نرم، نخست‌وزیر پاکستان را به چنین هم‌پیمانی ظالمانه متقاعد کرده است. در این هنگام شورای عالی امنیت ملی ایران با اعزام یک هیئت به اسلام‌آباد، پیامد چنین اقدامی را به مقامات نظامی و سیاسی پاکستان یادآور شد و نخست‌وزیر این کشور موضوع را به پارلمان ارائه و به اعضای حزب مسلم لیگ یادآور شد که به آن رأی منفی بدهند. با رأی منفی پارلمان، دولت پاکستان گفت نیرویی به عربستان اعزام نمی‌کند و در این جنگ مداخله نمی‌نماید.

همین دو روز پیش نخست‌وزیر اندونزی در تماس با مقامات دولت ایران گفت که پادشاه عربستان او را برای شرکت در اجلاس ریاض تحت فشار قرار داده و او ناچار به حضور است ولی بدانید ما با آنچه در این اجلاس علیه ایران مطرح شود، همراهی نخواهیم کرد. کاملاً واضح است که دولت اندونزی و بقیه دولت‌های اسلامی نمی‌خواهند در مقابل ایران قرار گیرند در اینجا یک رفت و آمد دیپلماتیک، اکثر آنان را از حضور در چنین اجلاس توطئه‌آمیزی منصرف می‌گرداند اما سوگمندان باید گفت برای وزارت خارجه ما حضور در میتینگ‌های انتخاباتی اولویت دارد و لذا هیچ کاری نکرد.

۳- در حالی که دولت باید نشان دهد با همه قوا در مقابل این توطئه ایستاده و خنثی کردن توطئه‌هایی که امنیت و «منافع ملی» ایران را نشانه رفته در اولویت کاری خود قرار داده است و خط فاصلی با بخش دفاعی- امنیتی کشور ندارد، برای تحریک اقلیت بسیار محدودی که زندگی شخصی خود را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند، استراتژی دفاعی کشور، جنگ‌افزارهای موثر ایران و نیروهای دفاعی مملکت را زیر ضربات خود قرار داده و آنان را در نقطه مقابل مصالح و منافع مردم معرفی می‌کند! در واقع کاری که این روزها در بعضی از سخنرانی‌ها، گفت‌وگوها و میتینگ‌های انتخاباتی مشاهده کردیم، پر کردن همان بخش از پازل دشمن بود که بدون آن آمریکا هرگونه اقدام نظامی علیه ایران یا علیه هم‌پیمانان آن در منطقه را «احمقانه» ارزیابی می‌کند.

اگر در اجلاس مشترک آمریکا، اسرائیل و سعودی که با حضور ۲۵ کشور اسلامی بزرگ خواهد شد، آمریکا با استناد به آنچه در ایران علیه توان و نیروهای نظامی کشور بیان می‌شود، جمع را به این قناعت برساند که «یک ضربه کافی است»، در واقع جنگ علیه ایران از داخل کلید خورده است. البته در نهایت ایستادگی نیروی دفاعی ما نه تنها خنثی‌کننده بلکه بازدارنده است.